

فرهنگ و ارکان تاریخ بلعی

نویسنده: طیه صابری

www.ketab.ir

سرشناسه	: صابری، طیبه، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ واژگان تاریخ بلعمی / نویسنده طیبه صابری.
مشخصات نشر	: اصفهان: کنکاش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۶۵۶۰-۷
موضوع	: بلعمی، محمد بن محمد، - ۳۶۳ ق. تاریخ بلعمی -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	: بلعمی، محمد بن محمد، - ۳۶۳ ق. تاریخ بلعمی -- مسائل ادبی
موضوع	: فارسی -- واژه‌های مهجور -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	: Persian language -- Obsolete words-- Dictionaries
شناسه افزوده	: بلعمی، محمد بن محمد، - ۳۶۳ ق. تاریخ بلعمی
رده بندی کنگره	: P137.11
رده بندی دیویی	: ۳۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۷۵۸۲

انتشارات کنکاش، نامشهر کاشانی، ۱۳۹۰ و نامشهر برگزیده‌ی استان سال ۱۳۸۸



فرهنگ واژگان تاریخ بلعمی

مؤلف:	طیبه صابری
ناشر:	انتشارات کنکاش
نوبت چاپ:	اول
تاریخ نشر:	۱۳۹۹
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
مدیر تولید:	محمد جزینی
طراح جلد:	سروش سعیدی
چاپ:	کنکاش
صحافی:	مردانی
قیمت:	۴۵۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۳۶-۵۶۰-۷

اصفهان، سه راه حکیم نظامی، ابتدای خیابان ارتش، چاپ و نشر کنکاش

تلفن: ۳۶۲۵۸۰۴۹ (۰۳۱)

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
رهیافت‌ها و نشانه‌ها.....	۴
نشانه‌های دیگر.....	۶
فصل اول: رهیافت‌ها.....	۱۵
تاریخ زبان فارسی.....	۱۵
خانواده زبانی هندواروپایی.....	۱۶
زبان ایرانی باستان.....	۱۶
فارسی میانه متقدم.....	۱۷
زبان‌های ایرانی میانه.....	۱۷
زبان فارسی دری.....	۱۸
فصل دوم: سبک‌شناسی.....	۲۱
۱- بعضی از اختلافات این نسخه‌ها به مرور زمان.....	۲۱
سبک دوره.....	۲۲
سبک‌شناسی تاریخ بلعیمی.....	۲۶
فصل سوم: دگرگونی‌های زبان.....	۳۵
علل دگرگونی زبان.....	۳۵
تحول زبانی.....	۳۵
علل مرگ واژگان.....	۳۶
علل تولد واژگان نو.....	۳۷
روش‌های ساختن واژگان نو.....	۳۸

۳۹	وام‌گیری واژگان.....
۴۱	فصل چهارم: واژه نامه
۴۱	واژه نامه.....
۲۱۵	واژگان با اشتقاق نامعلوم.....
۲۲۳	واژگان با اشتقاق نامعلوم در نسخه بدلها.....
۲۲۷	فصل پنجم: نتیجه گیری
۲۲۷	نتیجه گیرن و تحلیل
۲۳۱	منابع و مأخذ
۲۳۸	منابع خارجی.....

کتاب عظیم «تاریخ بلعمی» یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های دوره اسلامی است که از زبان عربی ترجمه شده و به دست ما رسیده است. در کتاب مجمل التواریخ و القصص درباره تاریخ نگارش این کتاب چنین آمده است: «کتاب تواریخ محمد ابن جریر الطبری رحمه الله علیه که از تازی به پارسی کرده است، ابوعلی محمد بن محمد الوزیر البلعمی به فرمان امیر منصور ابن نوح السامانی که بر زبان ابی الحسن الفایق الخاصه پیغام داد در سنه اثنی و خمسين و ثلاث مائه.» (بی‌نام، ۱۳۱۸: ۳۷). از وی این سند معلوم می‌شود که در سال ۳۵۲ ترجمه این کتاب به زبان فارسی آغاز شده است.

این کتاب یک دوره عمده‌ی تاریخ جهان از ابتدای آفرینش تا زمان حمله اعراب به ایران شامل داستان‌های زندگی پادشاهان و نیز پادشاهان ایران است. در آخرین سطور این کتاب چنین آمده است:

«عمر بن الخطاب سپاه فرستاد به مدین و حرب کردند و یزدجرد بگریخت و به مرو اندر کشته شد. و ملک عجم بر دست او بشد و به مدین افتاد. عمر و حدیث یزدجرد و حرب‌های او بسیار است و اندر خلافتی عمر گفته شود و در آن وقت اخبار پیغمبر (ص) و از آن ابوبکر مانده است و چیزی هنوز گفته نشده. اکنون بحدیث پیغمبر برگردیم و اخبار او و از آن ابوبکر و عمر بگوئیم و باز قصه یزدجرد در عهد عمر گفته شود که وی چگونگی کشته شد و ملک عجم از دست برفت. ابتدای آن از انساب پیغمبر (ص) کنیم. بعون الله تعالی امین.» (بی‌نام، ۱۳۸۵: ۸۳۱)

اما کتاب در همین جا به پایان می‌رسد و معلوم نیست به چه دلیلی ادامه آن رها شده است. چنان که گفته شد امیر منصور بن نوح سامانی به وزیر خود، ابی اسحاق، دستور ترجمه کتاب «تاریخ الامم و الملوک الطبری» را داد؛ اما وی در طول کار ترجمه، در هر مرحله تعدادی اصل کتاب را خلاصه و از منابع مختلف دیگری نیز استفاده کرد و مطالبی را نیز از ترجمه خود حذف نمود. (صفا، ۱۳۸۶: ۱۴۴ و شمیسا، ۱۳۸۶: ۳) درواقع او تنها با اقتباس از کتاب محمد ابن جریر طبری و پی‌گیری روش کار او بنیاد کتاب سترگ «تاریخ بلعمی» را نهاد.

نویسنده این کتاب ابوعلی محمد بن عبدالله بلعمی وزیر سامانیان و از رجال قرن چهارم است. پدرش ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی از سال ۲۷۹ وزیر اسماعیل بن احمد سامانی و پسرش احمد و پسر احمد نصر بوده است. علت شهرت او به بلعمی انتساب او و نیاکان او به بلعمان از قراء مرو است و بعضی علت شهرت او را بدین نام، انتساب نیاکان او به بلعم از بلاد روم دانسته‌اند.

ابوعلی محمد چندی وزیر ابوالفوارس عبدالملک ابن نوح (۳۴۳-۳۵۰) و مدتی نیز وزیر ابوصالح منصور ابن نوح (۳۵۰-۳۶۶) بود و در سال ۳۶۳ هجری درگذشت. (صفا، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

با توجه به نثر کتاب و مشخصات سبکی آن و همچنین قابلیت تطابق با اهداف این پژوهش بر روی واژگان آن، نگارنده بر آن شد تا به ریشه شناسی تاریخی واژگان متروک آن بپردازد.

پایه علم ریشه شناسی جدید را «سر ویلیام جونز» قاضی انگلیسی نهاده است. او برای اولین بار در سال ۱۷۸۶ در انجمن آسیایی کلکته خطابه‌ای خواند و در آن نظریه خود را مبنی بر هم ریشه بودن زبان‌های لاتینی، یونانی، سنسکریت و فارسی اعلام کرد. از آن به بعد تحقیقات و تتبعات بیشتری در این زمینه نضج گرفت و اتیمولوژی بنیان نهاده شد. «اتیمولوژی واژه‌ای است یونانی که از راه بیان لاتی به زبان فرانسوی راه یافت. در یونانی باستان اتیمولوژی به معنی شناخت اتیمون (Etymon) و اتیمون به معنی «معنی حقیقی واژه» بوده است.» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۱) پژوهندگان در این شاخه از دانش علاوه بر این که به بررسی منشأ واژه‌ها می‌پردازند، در پی آنند که هر واژه چه وقت و به چه دلیل پیدا شده است و همچنین ردپایی نیز درباره معانی پیشین آن به دست می‌دهد. یکی از نتایج دنی‌دیدی که می‌توان از این دانش به دست آورد، آن است که با مطالعه آن می‌توان به فرهنگ و دین بینای گذشتگان پی برد. چرا که شناخت منشأ واژه‌ها نه تنها ما را با معنی آن‌ها بلکه با روحه انسان‌هایی که آن را به کار می‌برده‌اند نیز آشنا می‌سازد. (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۲۴۷).

از سوی دیگر وارد شدن در جهان مدرن برای انسان‌ها روزی لازم می‌آید و انکارناپذیر دارد و برای ورود به آن باید به علوم مدرن تکیه کند که لازمه آن مجهز شدن به تفکر مدرن یا تکنولوژی تحلیل منطقی یا روش است. ذهن علمی باید بتواند کارکردها و دستاوردهای ایده‌های علم را به وسیله زبان ویژه‌ای توضیح دهد و از راه این بستر زبانی است که ایژه‌های شناخت خود را مرزبندی می‌کند و روش‌های خود را به کار می‌بندد و به نظریه‌ها و فرمول‌ها و تحلیل‌ها می‌رسد. به عبارت دیگر رهیافت تکنولوژیک به زبان پیش شرط ضروری پیشرفت تکنولوژیک است. (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۶)

در این سال‌ها دو راه برای خروج از تنگنای زبان فارسی برای درک و دریافت بهتر علم پیشنهاد شده است: یکی پذیرش یکسره زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی و تفکیک آن از زبان روزمره و ادبی و... است که آنچه مسلم است با پذیرش این پیشنهاد با ورود سیل آسای واژگان اعم از اسم و صفت و فعل و... رو به رو خواهیم شد و کم‌کم در متون علمی به جز تعدادی حرف

اضافه و حرف ربط چیزی از واژگان فارسی باقی نخواهیم گذاشت. به نظر می‌رسد با پذیرش این پیشنهاد خط پایانی بر زبان فارسی رسم خواهیم کرد. پیشنهاد دیگر تلاش در جهت آماده سازی زبان فارسی است که نیاز شدید آن به واژه سازی برای خروج از تنگنای زبان علم کاملاً مشهود است. برای این کار می‌توان با شناخت صحیح اجزای واژگان، اعم از بن، ریشه، وندها (پیشوندها و پسوندها و میانوندها) و به کار بردن روشمند آن‌ها خونی تازه در جهت تولید واژگان مورد نیاز زبان تزریق کرد و زبان را هر چه بهتر توسعه داد. در این تحقیق سعی شده است تا با تحلیل کتاب تاریخ اعمی که یکی از کتاب‌های فاخر و کهن فارسی دری است، واژگان اصیل فارسی که به مرور واپس شده و کنار گذاشته شده‌اند، مورد بررسی و پژوهش بیشتری قرار بگیرند تا حتی الامکان امکانات نهفته این واژگان برای خوانندگان روشن‌تر و نمایان‌تر شود.

در این پژوهش تلاش کرده‌اند بر آن بوده که مجموعه‌ای ترتیب دهد که به طور اختصاصی به معرفی واژگان متروکی که در زبان کهن تاریخ بلعمی است، بپردازد و یک فرهنگ نامه ریشه شناسی از این واژگان به دست دهد.

برای یافتن واژگان متروک رین باید ابتدا تعریفی از واژگان زنده داشته باشیم و واژگانی را که در این تعریف نمی‌گنجند، از حوزه آن جدا کنیم. واژگان زنده هر زبان واژگانی هستند که «در حافظه زبانی تمام سخنوران آن زبان در یک برهه از زمان وجود دارد و سخنوران آن زبان می‌توانند با آن واژه‌ها همه مقاصد خود را به نحوی مطلوب بیان کنند؛ اعم از این که آن مقاصد عادی باشد یا صنفی و علمی و فلسفی و ...» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۴۰۸). بر این تعریف تمام واژگانی که امروزه در زبان عادی مردم و در رادیو و تلویزیون و رسانه‌ها و متون مکتوب به کار برده می‌شود، جزو واژگان زنده هستند. علاوه بر آن قابلیت کاربرد تکواژها در واژگان زبان امروز نیز باعث می‌شود که واژه از حوزه واژگان متروک خارج شود. چنان که می‌دانیم واژه‌ها نظام بسته‌ای را در نظام زبان تشکیل می‌دهند که کاربرد امروزشان برحسب قابلیت اشکالی زایی آن‌هاست؛ به عنوان مثال واژه «گریختن» امروزه دیگر کاربردی در نظام ارتباطی زبان ندارد؛ اما نمی‌توان آن را جزو واژگان متروک دسته بندی کرد. چرا که اصطلاح علمی «گریز از مرکز» که امروزه در علم فیزیک کاربرد دارد، با استفاده از تکواژ «گریز» ساخته شده و بنا بر این این واژه از حوزه واژگان مرده خارج می‌شود. در این پژوهش سعی شده این مسأله و مطالبی که در فصل سوم درباره دگرگونی واژه‌ها به طور مفصل توضیح داده شده، ملاک کار قرار گیرد.